گذری بر تاریخ ساخت نخستین سردخانه شهر که ۲مرداد ۱۳۴۵ خورشیدی ساخته شد

عصر یخ در مشهد

سارا رنگیان

گرما و تابستان، بازار نوشتن از یخ را داغ می‌کند، خاصه که در تقویم ۲ مردادش، سالروز ساخت نخستین سردخانه مشهد را نوشته باشند. همین موضوع سبب شد در سطرهای بعدی از دلایل ساخت این سردخانه بگوییم و سری بزنیم به پستوی خانه‌های قدیمی شهر تا یاد اولین یخچال‌هایی را که وارد بازار مشهد شدند، هم تازه کنیم؛ یخچال‌هایی که سردی‌شان با عطر تند و گرم نفت پیوند خورده بود.

نگهداری مواد خوراکی در قدیم

در قدیم از مواد و مکان‌های طبیعی برای نگهداری طولانی‌مدت مواد غذایی استفاده می‌شد. نمک سود کردن، دودی کردن، استفاده از چاله‌های یخ، چاه آب، خشک کردن در برابر نور خورشید، آویزان کردن میوه‌ها از سقف اتاق، نگهداری میوه و مواد غذایی در کاه، انباری، سرداب، آب انبار و یخدان، از جمله روش‌های قدیمی نگهداری مواد غذایی بود. کوزه‌های سفالی هم برای خنک نگهداشتن آب استفاده می‌شد. همچنین اغلب خانه‌های قدیمی در کشور و به تبع آن، مشهد، زیرزمین‌هایی داشتند که به واسطه وجود حوضچه‌های آب و نرسیدن نور، مکانی مناسب برای نگهداری خوراکی‌ها بودند. یخ مورد نیاز مردم هم توسط یخچال‌هایی که با خشت خام در اطراف یا داخل کوچه‌های شهر، ساخته می‌شدند، تأمین می‌شد؛ ظاهرا قدیمی‌ترین متنی که به توصیف این یخچال‌ها پرداخته، سفرنامه «شاردن» است. با این حال، قدمت یخچال‌های بزرگ در ایران، خیلی بیشتر از این حرف‌هاست. در مشهد، به صورت مشخص، از دوره صفویه به بعد، تعداد یخچال‌های شهر رو به افزایش گذاشت. بخش مهمی از این یخچال‌ها در غرب مشهد که به لحاظ ارتفاع و آب و هوا بهتر بود، قرار می‌گرفت. متأسفانه امروزه اثری از این یخچال‌ها نیست. مرکز تجمع این یخچال‌ها، در زاویه شمالی خیابان منتهی به دروازه قوچان فعلی (میدان توحید) بود. شکل یخچال‌های مشهد، مخروطی شکل بود و با دولایه دیوار و کف آن را به عمق یک و نیم متر گود می‌کردند. در فصل زمستان، مسئول یخچال، آب را از نهر نادری که از وسط بالاخیابان عبور می‌کرد، به مخزن یخچال می‌رساند و پس از یخ زدن یک لایه ۱۰ سانتی متری آب، روی آن را با کاه می‌پوشاند و دوباره آب را وارد مخزن می‌کرد تا به همان ترتیب یخ بزند. بین لایه‌های ۱۰ سانتی متری یخ، کاه می‌ریختند تا هم عایق مناسبی باشد و هم مقاومت یخ را در برابر گرما بیشتر کند. به این ترتیب، مشهد تا اواسط تابستان یخ داشت. بستنی فروش‌های اواخر قاجار و اوایل دوره پهلوی با همین یخ‌ها، بستنی درست می‌کردند، هرچند از خود یخ فقط برای سردکردن بستنی استفاده می‌شد، بوی کاه که البته چندان خوشایند هم نبود، از همه بستنی‌ها به مشام می‌رسید!

دلایل ساخت نخستین سردخانه در مشهد

با پیشرفت فناوری و از اواخر دهه ۳۰ خورشیدی به دلیل موقعیت آب و هوایی مشهد و لزوم نگهداری از مواد غذایی و محصولات کشاورزی که جایگاه مهمی در اقتصاد این شهر داشتند، تأسیسات سرمایشی مورد توجه قرار گرفت که نهادهای دولتی، نقش مهمی در آن زمینه ایفا کردند، به ویژه وزارت کشاورزی و سازمان برنامه. این تلاش‌ها در نهایت ساخت نخستین سردخانه مشهد را به دنبال داشت، و در ادامه، پای مهندس «لوئی سوژیه»، نماینده سامان خوار بار جهانی و دبیر بین المللی کار را به مشهد کشاند تا در این باره مطالعه کند.

او چندی بعد پس از مطالعات لازم، برای ارائه گزارش ۱۲ آذر ۱۳۳۷ خورشیدی به تهران بازگشت. پیرو این بازدید در اردیبهشت ۱۳۳۸ خورشیدی نیز تصمیم گرفته شد سردخانه‌ای در مشهد ساخته شود. این سردخانه از طرف دولت برای نگهداری و حفاظت گوشت به طرز مدرنی ساخته می‌شد تا با بهترین سردخانه‌های شهرهای بزرگ جهان برابری کند. همچنین سازمان ترویج کشاورزی، اداره کل اقتصاد، وزارت کشاورزی و سایر دستگاه‌ها نیز در همان سال‌ها در حال مطالعه برای ایجاد سردخانه برای نگهداری محصولات کشاورزی و لبنی در مشهد بودند. در آگهی‌ای که آن زمان با عنوان «طرح ایجاد سردخانه برای محصولات کشاورزی» در روزنامه خراسان منتشر شده، آمده است: «اداره کل کشاورزی اطلاع می‌دهد به این دلیل که محصولات کشاورزی به خصوص فراورده‌های دامی فسادپذیر است و باید پس از تولید مصرف شوند و از طرفی نبودن انبار و سردخانه... تولیدکننده را دچار خسارت مالی می‌کند، سازمان ترویج کشاورزی و اداره کل اقتصاد وزارت کشاورزی و سایر دستگاه‌های مسئول تصمیم دارند طرح دقیق و کاملی برای ایجاد انبار و سردخانه‌ها با ظرفیت‌های لازم مطرح کنند. در این راستا قرار است طی دو ماه آینده مطالعات مقدماتی این طرح با استفاده از تجربه‌های گذشته انجام، سپس برای ایجاد آن‌ها اقدام شود.»

کمبود یخ در مشهد

کمبود یخ در تابستان ۱۳۴۳ خورشیدی باعث شد بار دیگر تأسیس کارخانه یخ‌سازی در مشهد مورد توجه قرار گیرد. شاید در همین راستا بود که سردخانه و یخ‌سازی بزرگ ۳ هزار تنی شرق مشهد تأسیس شد که ظرفیت آن شامل هزار تن زیر صفر و ۵۰۰ تن بالای صفر بود. این سردخانه مرداد ۱۳۴۵ خورشیدی به بهره‌برداری رسید و آماده پذیرش لبنیات، میوه، خشکبار، مرغ، گوشت و حبوبات شد.

در این راستا آگهی پذیرش محصولات مذکور توسط این کارخانه که در آبکوه مستقر بود، در مرداد ماه به صورت روزانه در روزنامه آفتاب شرق منتشر می‌شد. این سردخانه در سال ۱۳۵۰ خورشیدی ۲۶ کارگر داشت.

براساس گزارش سوم آبان ۱۳۴۸ خورشیدی پس از تصویب هیئت عامل برنامه بین وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی و یک مؤسسه استانی، قرارداد خرید لوازم سردخانه به امضا رسید تا از محل اعتبارات عمرانی برنامه چهارم کشور بودجه تأمین شود. این سردخانه به ظرفیت ۷ هزار و ۲۰۰ مترمکعب در زمینی به مساحت ۴۰ هزار متر مربع توسط پیمانکار ایرانی ساخته شد.

همت خانواده عصارنیا نیز در هفدهم آبان ۱۳۵۴ خورشیدی، سبب ایجاد کارخانه یخ‌سازی و سردخانه «تگرگ» در مشهد شد که در زمینه تولید و بسته‌بندی یخ فعالیت می‌کرد. سردخانه ۵ هزار تنی «سام» مشهد، وابسته به اداره کل بازرگانی، یکی دیگر از سردخانه‌هایی بود که با پایان عملیات ساخت و تجهیز آن در هفتم دی ۱۳۵۶ خورشیدی به بهره‌برداری رسید. این کارخانه در کیلومتر ۱۰ جاده قوچان-مشهد در زمینی به مساحت ۵۱ هزار مترمربع و دارای هشت سالن بزرگ و کوچک بود که تونل انجماد آن تا ۲۵ درجه زیر صفر و ۵ درجه بالای صفر می‌توانست مواد غذایی شامل گوشت، کره، روغن و انواع میوه را نگهداری کند. همچنین در این زمان، سردخانه ۵ هزار تنی «سپاد» هم فعال بود.

توجه آستان قدس به ساخت سردخانه

بر اساس مصاحبه زاهدی، نایب التولیه آستان قدس رضوی، در ششم اردیبهشت ۱۳۵۱ خورشیدی طرح مقدمات سردخانه هزار و ۵۰۰ تنی و قابل توسعه به ۳ هزار تن انجام و ساخت آن شروع شده بود. مبلغ ۱۵ میلیون ریال برای خرید ماشین آلات و مبلغ ۲۰ هزار ریال هم برای هزینه‌های نصب و ساخت آن هزینه شد.

سردخانه‌داری از حوزه‌هایی بود که بخش خصوصی هم تمایل مثبتی به آن نشان داد و به همین دلیل سردخانه‌های مشهد خصوصی بودند. سردخانه توس (توکلی) با ظرفیت ۳ هزار تن، سردخانه شرق با هزار و ۵۰۰ تن، سردخانه نوبهار با ظرفیت ۷۰۰ تن و سردخانه مهریشا با ظرفیت ۳۷ هزار و ۵۰۰ تن مهم‌ترین سردخانه‌های مشهد بودند.

یخچال در خانه مشهدی‌ها

نگهداری از مواد غذایی در مشهد که مرکز تولید محصولات کشاورزی در کشور بود، اهمیت فراوانی داشت و از قضا همین هم دلیلی بود که سردخانه و کارخانه‌های یخ‌سازی زودتر از کارخانه‌های یخچال‌سازی در مشهد راه‌اندازی شدند. با این حال برای تأمین یخ مردم نیاز بود پای یخچال به خانه‌ها باز شود. یخچال‌ها در ابتدا به شکل نفتی و برقی تولید می‌شد، ولی استفاده از نوع برقی فقط زمانی که برق به شکل دائمی و ۲۴ ساعته در اختیار جامعه بود، مورد استفاده قرار گرفت. اگرچه زمان دقیق ورود این کالا به خانه مشهدی‌ها و بازار مشهد مشخص نیست، طبق یکی از اسناد بیمارستان امام رضا(ع) احتمالا اولین یخچال نفتی در سال ۱۳۱۶ خورشیدی و در زمان تولیت فتحا... پاکروان برای لابراتوار بیمارستان خریداری شده است. یخچال هنوز جزو کالاهای لوکس بود ولی مدل‌های مختلفی از آن وارد بازار می‌شد. «فیلکو» یکی از یخچال‌های برقی بود که در سال ۱۳۲۸ خورشیدی در بازار مشهد به شکل انحصاری توسط سوپر رادیو مهندس بخشایی فروخته می‌شد. یک یخچال برقی و نفتی الکترولوکس نیز در تیرماه ۱۳۳۱ خورشیدی از سوی آستان قدس رضوی خریداری شد. از همان سال به بعد، به تدریج انواع یخچال وارد بازار ایران و مشهد شد.

امنیت امیرکبیری در ارض اقدس

خبر سوخته

این بار در این ستون، روزنامه وقایع اتفاقیه را که سومین روزنامه ایران است، ورق زده‌ایم. این جریده که به دستور امیرکبیر در دوره ناصرالدین شاه منتشر می‌شده از ۱۲۶۷ تا سال ۱۲۷۷ قمری فعال بوده است. این یعنی خبری که در ادامه می‌خوانید، یکی از قدیمی‌ترین اخبار جراید ایران است که به توصیف امنیت مشهد پرداخته است.

روزنامه اتفاقیه/۱۵ جمادی‌الثانی ۱۲۶۷ قمری

مملکت خراسان این روزها کمال انتظام (نظم) را دارد، به‌ویژه امنیت شهر مشهد مقدس به نوعی است که از قراری که در روزنامه نوشته‌اند، در ایام سابق کمتر به این امنیت بوده است. از جمله نوشته بودند که کره اسبی در شب از خانه میرزا بابای گمرکچی، بیرون رفته بوده و کسی از اهل خانه ندانسته بودند تا وقت صبح دیده‌اند که اسب در دست یک نفر از سربازان خلج که قراول شهرند، به داروغه‌خانه آورده، صاحبش را می‌پرسد، بعد از آنکه معلوم شده، به صاحبش داد.

علافی نیز در خیابان سفلی دکان داشته، شب در دکان را فراموش کرده ببندد و باز گذاشته، به خانه رفته است. از قراولان فوج خلج که مأمور به حفظ و حراست شهرند، گردش می‌کرده‌اند، در آخر شب به در دکان مزبور رسیده‌اند و دیده‌اند که باز است. دو نفر قراول در آنجا گذاشته و دکان را به آن‌ها سپرده‌اند. صبح صاحب دکان از خواب بیدار شده به خاطرش می‌آید که در دکان را نبسته است، مضطرب و هراسان به در دکان رفته، دیده است که دو نفر سرباز در آنجا یکی مشغول نماز است و دیگری، تفنگ بر دوش دارد و به قاعده قراولی راه می‌رود. بعد از رسیدن آن شخص قراولان می‌دانند که صاحب دکان است به او می‌گویند جمیع اموال و اسباب دکانش را وارسی بکند. بعد از آنکه وارسی کرده، قراول‌ها می‌بینند که جمیع اموال و اسباب دکانش موجود است، آن وقت می‌روند. عجب‌تر آنکه یک دست پیراهن و زیرجامه از بغل دست فروشی در میان کوچه افتاده، سربازی برداشته و بر سر نیزه زده، در بازار و کوچه گردانده تا صاحبش را پیدا کرده و داده است.

پیر ۱۵۰ ساله شهر

هما سعادتمند

فوتو عکس

این نما و سر در زیبا که در تصویر می‌بینید، تصویر خانه کوزه‌کنانی در اواخر دوره قاجار است؛ خانه‌ای که روزگاری کنسولگری انگلیس بوده و حالا پسوند بزرگ‌ترین خانه تاریخی مشهد را در توصیف نام خود دارد. این خانه که در یک دهه گذشته محل تنش میان میراث فرهنگی و مالکان فعلی (جمعی از اهالی خمینی شهر اصفهان) بوده و حدود دو سال پیش نیز نیمی از بنای میراثی خود را از دست داده است، این روزها با کاربری زائرسرا ادامه حیات می‌دهد.

ماجرا از این قرار است که سال ۱۳۶۴، مردم خمینی شهر اصفهان به دنبال خرید مکانی می‌گشتند تا زائران و هیئت‌های مذهبی شهر که در مناسبت‌های مختلف به مشهد می‌آیند، سرپناه و جای اقامتی داشته باشند؛ از قضا قرعه به نام خانه کوزه کنانی می‌خورد و آن‌ها با سرمایه جمعی این ملک را که بیش از ۲۶۰۰ متر وسعت دارد، از وراث کوزه کنانی خریداری می‌کنند. این خانه سپس با نام حسینیه «فروشانی‌های خمینی شهر» تابلومی خورد و از بنای مسکونی به حسینیه تبدیل می‌شود. با این همه، خانه را سال ۱۳۸۲ میراث فرهنگی به ثبت ملی می‌رساند و سال ۱۳۸۸ هم پس از طرح شکایت مالکان با تأیید دیوان عدالت اداری از ثبت خارج می‌شود. پس از این اما در کش‌وقوس بین میراث فرهنگی و مالکان می‌ماند تا اینکه دو سال پیش بخشی از این خانه فرو می‌ریزد. در واقع این خانه یکی از معدود خانه‌های تاریخی باقی‌مانده در مشهد بود که دو بنا در طرفین حیاط داشت، یکی شاه‌نشین (بخش باقی‌مانده) با ستون‌ها، ناودان و رخ‌بام‌های قاجاری و دیگری خدمه‌نشین (بخش تخریب‌شده).

قدمت	۱۵۰ سال دوره قاجار
نشانی	خیابان خسروی نو کوچه شوکت‌الدوله، کوچه پنجه
مساحت خانه (متر مربع)	۲۶۰۰

درباره حاج کاظم کوزه‌کنانی

حاج کاظم کوزه‌کنانی، تاجر بنام شهر مشهد، اصالتا اهل کوزه‌کنان آذربایجان و از تبار حاج مهدی کوزه‌کنانی، از مشاهیر مشروطه‌خواه تبریز، بوده است. وی تاجر تنباکو بوده و با کشور شوروی، شهر عشق‌آباد به تجارت می‌پرداخته است. گفتنی است خانه‌ای به نام کوزه‌کنانی در تبریز، پس از مرمت و احیا موزه مشروطه شده است.

وقتی خانه کوزه‌کنانی چشم رضاشاه را هم می‌گیرد!

چندین سال قبل از وقایع شهریور ۱۳۲۰ رضاشاه به مشهد آمده بود. او به منزل حاج کاظم کوزه‌کنانی رفت و او هم ناچار از پذیرایی بود. چند روزی از توقف شاه به مشهد گذشت. یک روز رضاشاه با همراهان خود، که کوزه‌کنانی هم در ردیف آن‌ها بود، در باغ مشغول گردش بود. وی که از ساختمان آنجا خوشش آمده بود، گفت: «حاجی عمارت قشنگی داری؛ من واقعا از آن خوشم آمد!» غرض از این تمجید این بود که کوزه‌کنانی فوری بگوید: «اعلی حضرتا قابلی ندارد پیشکش می‌کنم!» ولی حاجی کاظم که از رندان دهر بود، در پاسخ شاه گفت: «قربان! جان‌نثار خیلی زحمت کشیده تا مورد نظر همایونی واقع شده است!» ادای این جمله مثل آبی بود که روی آتش احساسات شاه ریختند و او فهمید که تیرش به سنگ خورده است!

برابر تاریخ، امروز مقارن با قیام سربه‌داران، مردمی‌ترین جنبش تاریخ در سال ۷۳۷ هجری قمری است

شروع فرهنگ انتظار با سربه‌داران

هادی دقیق

۱۲۰ سال پس از حکمرانی مغول، مردانی از دیار سبزوار با هدف قیام علیه ظلم و جور حاکمان توانستند بخش‌هایی از سرزمین خراسان را زیر بیرق خود نگاه دارند که در تاریخ با نام «سربه‌داران» ماندگار شده‌اند. سربه‌داران، مردمی شیعه‌مذهب و بدون حکومت موروثی بودند که پیشینه و پایگاه قدرتشان همچنان روشن نیست ولی به دلیل حضور شماری از پهلوانان «سربه‌دال» هم خوانده شده‌اند. قیام سربه‌داران جزو مردمی‌ترین جنبش‌های تاریخ میانه ایران است که از مهم‌ترین ابعاد فرهنگی‌شان، ترویج فرهنگ انتظار به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی تشیع است. همچنین این گروه در ابتدا مانند دیگر حکومت‌ها برای اعلام استقلال، سکه ضرب نکردند و از سکه‌های رایج امیران مغول استفاده کردند اما به مرور دست به ضرب مسکوک زدند و برای نخستین بار سکه‌هایی با شعایر مذهبی دوازده امامی ضرب و وارد بازار کردند.

سربه دار دادن و تن به ذلت ندادن

تندیس سربه‌داران شهر سبزوار، مرکز خراسان غربی

سربه‌داران از بازماندگان خواجه شهاب‌الدین فضل ا...، از علویان بنام روستای باشتین، از توابع بیهق یا سبزوار کنونی بودند. امیر عبدالرزاق یکی از فرزندان فضل ا... بود که در زمان حکومت ابوسعید، آخرین پادشاه ایلخانی، ابتدا کاری ساده در دربار داشت و سپس والی کرمان شد. پس از مرگ سلطان، عبدالرزاق به باشتین برگشت، اما هم‌زمان با این روزگار جنبشی بزرگ در آنجا درگرفته بود؛ آن زمان والی خراسان، خواجه علاءالدین محمد، شخصی را به عنوان ایلچی به باشتین فرستاده بود و فرستاده، درخواست نابجای شراب و شاهد کرده بود. همین موضوع برای مردم گران آمد و عیش نکرده ایلچی به قیمت جانش تمام شد. البته پیش‌تر زیاده‌خواهی مأموران مالیاتی حکومت ایلخانی و ظلم و تعدی سربازان و مزدوران داخلی به مردم، انبار باروت خشم مردم را پر و اوضاع را بحرانی کرده بود و این واقعه حکم شعله و رشدن آن را داشت. بیشتر منابع تاریخ شروع قیام را شعبان ۷۳۷ هجری قمری نوشته‌اند، یا به عبارت دقیق‌تر قتل ایلچی و شروع قیام را هم‌زمان می‌دانند. برخی نیز ورود عبدالرزاق به باشتین با دو واقعه گفته شده را هم‌زمان دانسته‌اند. احتمالا باید پذیرفت که چند حادثه مجزا به شکلی پیوسته در یک زمان گزارش شده است.

در نهایت والی خراسان افرادی را پی قاتل ایلچی فرستاد، اما عبدالرزاق که طرف دارانش را گرد آورده بود، فرستاده والی را برگرداند. عبدالرزاق و همراهانش سه نفر از این فرستادگان را کشتند و بقیه نیز فرار کردند. خطاب عبدالرزاق به همراهان، لقب سربه‌دار را به آن‌ها داد: «فتنه‌ای عظیم در این دیار به وقوع پیوست و اگر مساهله کنیم، کشته می‌شویم. به مردی سر خود بر دار دیدن، هزار بار بهتر از به نامردی به قتل رسیدن است.» ماجرا تمام نشد و خود خواجه علاءالدین به پیکار عبدالرزاق رفت، اما در این نبرد هم والی خراسان کشته شد و عبدالرزاق با جاه و جلال به باشتین برگشت. پس از آن سربه‌داران در سال ۷۳۸ هجری قمری بدون جنگ و خون‌ریزی سبزوار را جزو متصرفاتشان کردند و کم کم قلمروشان را گسترش دادند.

از اتحاد با شیخ حسن جوری تا مرگ وی

نقشی از مغول در ایران- کتاب جامع التواریخ

چندی بعد در پی غائله‌ای، امیر وجیه‌الدین مسعود، برادرش، عبدالرزاق، را کشت و با شیخ حسن جوری، از درویشان و اهل تصوف، متحد شد. شیخ حسن جوری شاگرد شیخ خلیفه بود و در آن زمان بنا به علت‌های سیاسی در زندان فرمانروای نیشابور بود و چندی بعد از زندان گریخت و به مسعود پیوست. پیش‌تر مخالفان شیخ خلیفه پی راضی کردن ابوسعید برای قتل وی بودند که ابوسعید در جواب گفته بود: «آزار و اذیت این طبقه کار من نیست.» اما کار شیخ خلیفه پیش از پاگیری حکومت سربه‌داران و در همان مسجدی که قرآن می‌خواند، تمام شد و مخالفانش او را کشتند. پس از آن حامیان شیخ خلیفه، دور شیخ حسن جوری گرد آمدند. به روایت «تذکره دولتشاه»، مسعود نیز از مریدان شیخ حسن جوری بوده است.

پس از آنکه وجیه‌الدین مسعود با همراهی شیخ حسن جوری، جرجان و خراسان را زیر نفوذ سربه‌داران درآورد، به نزدیکی حکومت آل کرت رسید و جنگی میان آن دو درگرفت. هرات مقصد بعدی سربه‌داران بود و حاکمان آل کرت که خودشان را برای مصافی سنگین آماده کرده بودند، در نزدیکی زاوه رودرروی سربه‌داران قرار گرفتند. در این بین، شیخ حسن جوری کشته شد و سربه‌داران فرار و عقب‌نشینی کردند. قتل شیخ حسن چندان روشن نیست و دلیل مرگش، دشمن یا فرمانروای سربه‌داران ذکر شده است.

پایان سربه‌داری

امیر مسعود هم مدتی بعد در لشکرکشی به مازندران در سال ۷۴۵ قمری اسیر و چند روز بعد کشته شد. پس از او ۱۰ نفر دیگر از سربه‌داران بر سبزوار حکومت کردند، اما دیگر اقتدار دوران ابتدایی آن‌ها برنگشت. آخرین حاکم سربه‌داران با ورود امیر تیمور به خراسان در سال ۷۸۲ هجری قمری خواجه علی مؤید بود. وی به خدمت امیر گورکانی پیوست و تا سال ۷۸۸ هجری قمری که فوت کرد، در خدمت امیر بود. سال وفات علی مؤید را پایان کار سربه‌داران در تاریخ می‌خوانند.

با سپاس از: کاظم جهانگیری کلاته، علی‌سلیمانی، محمد نظرزاده، راحله یگانه و سید مهدی سید قطبی در مرکز اسناد آستان قدس رضوی